

قرآن و بازدارندگی از جرایم جنسی

علیرضا تقی پور^۱

چکیده

قرآن کریم مجموعه ای از تعالیم حیات بخش فردی و اجتماعی است. بدین صورت که در کنار پدید آوردن فرد صالح و تأمین سعادت مادی و معنوی هر یک از افراد، کلیه حقوق و تکالیف اجتماعی از خانواده گرفته تا نهادهای دیگر جامعه مورد توجه قرآن قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در عین تذهیب و اصلاح فرد، تهنید و تأمین مصلحت اجتماع نیز از نظر دور نگاه داشته نشده است.

قرآن در زمینه غریزه جنسی که عامل دوام جامعه انسانی است و در صورتی که در مسیر طبیعی خود به کار گرفته نشود می تواند مشکلات فراوانی به بار آورد در دو قلمرو فردی و اجتماعی، دستوراتی از جمله حفظ حجاب و نوع پوشش زنان، رفتار والدین در زمان آمیزش، عزت نفس و تقوی پیشگی و زدودن فقر از جامعه مطرح کرده است که اجرای آنها می تواند کاهش چشمگیر جرایم جنسی را در پی داشته باشد. به گونه ای که می توان ادعا نمود عوامل بازدارنده از جرایم جنسی در قرآن به صورت جامعی پیش بینی شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، جرایم جنسی، بازدارندگی.

^۱ - استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا همدان: پست الکترونیکی: arlaw2009@yahoo.com

مقدمه

روابط جنسی برای بقای موجودات از جمله مظاهر اصلی حیات به شمار می‌رود (کی نیا، ۱۳۷۶، ۵۸۱).

به همین دلیل، می‌توان ادعا کرد که از زمان پیدایش بشر، انحرافات جنسی نیز وجود داشته و از قدیم الایام مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ۲۰). در یونان قدیم، هم جنس بازی در بین مردم به قدری رایج بود که در آثار ادبی و هنری آن کشور رسوخ کرده و حتی در آداب دینی آنها راه یافته بود (دانش، ۱۳۸۱، ۱۸۶).

از انحراف جنسی، تعاریف متعددی از سوی جامعه شناسان، روان شناسان و علمای علم اخلاق به عمل آمده به گونه‌ای که هر کدام از زوایای مختلف به تعریف آن پرداخته‌اند. اما در یک تعریف کلی می‌توان انحراف جنسی را رفتارهایی خارج از معیار متعارف تلقی نمود که در جهت تسکین غریزه جنسی ارتکاب یافته و مورد تقبیح وجدان عمومی جامعه قرار دارد. حال اگر همین رفتارها را قانون گذار، قابل مجازات اعلام نماید باید از واژه جرایم جنسی استفاده کرد.

قرآن نیز چه به صورت صریح و چه تلویحی از انحرافات جنسی نام برده و مجازات‌هایی نیز در شرع برای آن در نظر گرفته شده است. اما با توجه به اینکه مجازات نمی‌تواند به تنهایی عامل بازدارنده‌ای برای جرایم جنسی به شمار رود قرآن، راه کارهایی در جهت ممانعت از بروز آن در نظر گرفته است. در این مقاله که در دو گفتار تنظیم شده است به دنبال بررسی این موضوع هستیم که قرآن در زمینه فردی و اجتماعی چه راه کارهای بازدارنده‌ای را در این حوزه مورد توجه قرار داده است.

گفتار نخست: بازدارندگی فردی

قرآن انسان را موجودی دارای قوا و استعدادهای فوق العاده معرفی کرده است و ضمن توجه به ضرورت پیشگیری از سقوط اخلاقی انسان این امر را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده است و نکات متعددی را به این امر اختصاص داده است که توجه به آنها نه تنها موجب انصراف درونی از رفتارهای غیر اخلاقی می‌گردد، بلکه تعالی روحی انسان را نیز تضمین می‌کند.

الف- عفت پیشگی

عفت در لغت به معنای حاصل شدن حالتی برای نفس آدمی است که بدان وسیله باعث غلبه بر شهوت می‌شود و اصل آن، بسنده کردن بر اندک است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۳۹۳). عفت از مهمترین فضایل انسان محسوب می‌شود و برخی برای معرفی آن از ضد عفت یعنی هتاکی استفاده می‌کنند. به همین دلیل است که در بسیاری از موارد، عفت را در مورد پرهیزکاری در خصوص مسائل جنسی استعمال کرده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳۰۸).

یکی از راه‌های عمده پیشگیری از انحرافات و جرایم جنسی، تقویت حیاء و برنامه ریزی در جهت پرورش و ترویج آن است. حیاء، نه تنها عفت جنسی را در انسان تقویت می‌کند، بلکه از انواع انحرافات اجتماعی جلوگیری می‌کند و هر چه حیاء بیشتر باشد نیروی بازدارنده، قویتر خواهد بود.

در آیه ۳۳ سوره نور، قرآن به کسانی که امکان ارضای نیاز جنسی از طریق مشروع برای آنان مهیا نیست می‌فرماید: «و آنان که امکان ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد». بدین ترتیب، قرآن افراد جامعه را در بوته آزمایش قرار می‌دهد تا مشخص شود در مرحله محرومیت از

ارضای غریزه جنسی تا چه اندازه از خود ایمان و تقوا نشان می دهند. همچنین در آیه ۳۰ از همان سوره خداوند می فرماید: « به مومنان بگو چشمهای خود را از گناه به نامحرمان فرو گیرند و فروج خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه تر است». در شأن نزول آیه آمده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد. چهره آن زن، نظر آن جوان را به خود جلب نمود و آن قدر با چشم خود زن را تعقیب کرد که ناگهان صورتش در برخورد با دیوار شکافت. با خود گفت که خدمت پیغمبر(ص) می روم و ماجرا را بازگو می کنم. پس از ملاقات جوان با پیامبر این آیه نازل شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۳۶). در نتیجه، آیه مزبور را می توان آیه عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحراف جنسی تلقی نمود.

از دیگر آیاتی که می توان بدان اشاره نمود، آیات ابتدایی سوره مومنون می باشد که ویژگیهای افراد مومن را در عباراتی کوتاه و پر محتوا تشریح می کند. خداوند در آیه ۵، یکی از ویژگیهای مومنان را پاکدامنی و عفت و پرهیز از هرگونه آلودگی جنسی برشمرده و می فرماید: « آنان که فروج و دامان خود را از آلودگی به بی عفتی حفظ می کنند». در تفسیر این آیه آمده است که منظور از فروج، عورت زن و مرد است که مردم از بردن نام آن ها شرم می کنند و حفظ فروج، کنایه از دوری از روابط جنسی نامشروع از قبیل زنا و لواط است (طباطبایی، جلد ۱۵، ۱۳۶۷، ۱۲). در آیه ۶ از این سوره آمده است: « تنها اجازه آمیزش جنسی با همسرانشان و کنیزانشان را دارند و در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند». این جمله به عنوان استثنایی بر حفظ فروج به شمار می رود. بدین معنا که می توانند با زنان حلال و کنیزان مملوک خود آمیزش جنسی داشته باشند (مکارم شیرازی، پیشین، ۱۹۸). بدین سان، اهمیت عفت تا بدان جاست که قرآن در بیان صفات برجسته مومنان، عفت را بعد از نماز و زکات مطرح کرده و آن را بر اموری مانند وفای به عهد که در آیه ۸ از این سوره ذکر شده است مقدم دانسته است.

کف نفس نیز از جمله مواردی است که در این بخش قابل بررسی است. اولین نکته ای که در این رابطه باید بدان اشاره نمود آن است که انسان باید در ابتدا مراقب باشد مرتکب گناه نشود. پس باید نفس خود را مخاطب قرار دهد بدین معنا که با توجه به سرمایه گرانمایه عمر، آن را به بطلالت نگذراند. نکته دوم آن است که همیشه این نکته را مد نظر قرار دهد که خداوند مراقب اوست. موضوعی که در آیه نخست سوره نسا بدان اشاره شده است. همچنین در آیه ۱۰ سوره انفطار آمده است: «بی شک حافظان و مراقبان بر شما گمارده شده است». نکته سوم آن است که به محاسبه کارهای خویش بپردازد. در آیه ۲۸۴ سوره بقره آمده است: «اگر آن چه را در دل دارید آشکار کنید یا پنهان نمایید خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می کند». پس چه بهتر که انسان قبل از فرا رسیدن یوم الحساب خود را مورد محاسبه قرار دهد.

ب- تحریک زدایی

برخی از عوامل موجود در یک جامعه می توانند برای مجرمین جنسی بالقوه، نوعی محرک به شمار روند که با برطرف کردن آن، وقوع چنین جرایمی را می توان کاهش داد. اصلاح سبک زندگی زنان به صورت رعایت حجاب از تدابیر کاهنده زمینه های تحریک جنسی به شمار می رود. به عبارت دیگر، یکی از عوامل موثر در تحریک متجاوزان جنسی، وضع پوشش و رفتار قربانی جرم است.

۱ - آشکار نساختن زیور مخفی : در بخشهایی از آیه ۳۱ سوره نور آمده است: « به زنان با ایمان بگو...زینت خود را آشکار نسازند مگر آن چه که به طور طبیعی آشکار است و روسری خود را بر سینه افکنند... به هنگام راه رفتن پای خود را چنان به زمین نکوبند که زیورهای مخفی آنان آشکار شود...». در تفسیری از آیه این گونه مطرح شده است که منظور از زینت، مواضع آن می باشد زیرا ظاهر نمودن و آشکار کردن زینت از قبیل گوشواره و دستبند به خودی خود حرام نیست. پس مراد از ظاهر کردن زینت،

محل آنها است. خداوند متعال از این حکم، آن چه را که ظاهر است، استثناء کرده و مقصود از آن، صورت و دو کف دست و قدم ها می باشد (طباطبایی، پیشین، ۱۵۶). در واقع آشکار کردن زینت ها توأم با آشکار کردن اندامی است که زیور آلات به آن آویزان هستند که خود عامل تأثیرگذاری در تحریک ارتکاب جرایم جنسی می باشد.

موضوع دیگری که در این آیه بدان اشاره شده، نکویدن پا بر زمین توسط زنان است. در صدر اسلام، زنان پاهای خود را با خلخال زینت می کردند. اما خداوند دستور داده است که برای دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می سازد و ممکن است منتهی به انحراف شود زنان چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی که در پا دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند که این خود گواهی بر توجه و دقت اسلام در این زمینه است. (مکارم شیرازی، پیشین، ۱۴۱).

۲- تحریک آمیز سخن نگفتن: در آیه دیگری از قرآن، تحریک آمیز سخن گفتن زنان مطرح شده است. در آیه ۳۲ سوره احزاب خداوند می فرماید: «ای همسران پیامبر، شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه هوس انگیزی سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند». بدین ترتیب، برای زن زینبده است که به هنگام سخن گفتن با بیگانه با صدای خشن و جدی سخن گوید چرا که این شیوه گفتار، هرگونه بداندیشی را از دلهای ناپاک دور می سازد. در نتیجه، از مورد اتهام قرار گرفتن از سوی بیماردلان در امان بوده و درست اندیشان نیز تردیدی در مورد آنان روا نخواهند داشت. ذکر این نکته نیز ضروری است که به رغم دستور خداوند نسبت به زنان پیامبر (ص) این حکم اختصاص به همه زنان امت پیامبر (ص) داشته و خطاب آیه، عام است (طباطبایی، ج ۱۶، پیشین، ۴۶۱). در ادامه همین سوره و در آیه ۵۹ سوره احزاب آمده است: «ای پیامبر به دختران و همسران بگو که چادر را به خود نزدیک سازند. این کار برای آن که شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است». با توجه به این که در آن زمان، زنانی هم

بدون حجاب در جامعه حضور داشتند، قرآن به زنان پیامبر(ص) دستور داده که رعایت حریم آن حضرت را نموده تا قصد و خیال خیانت از اذهان زدوده شود(مطهری، ۱۳۸۷، ۱۶۳).

به رغم اهمیت بالای حجاب و پرهیز از خودآرایی، قرآن در یک مورد استثنایی در آیه ۶۰ سوره نور می فرماید: « زنانی که سن ازدواج آنان گذشته و دیگر امیدی به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس های رویین خود را بر زمین گذارند در حالی که خود را آرایش نکرده باشند ». از عبارات مندرج در آیه این گونه می توان استنباط کرد که زنان مزبور را افرادی تشکیل می دهند که آثار پیری بر چهره شان نشسته و کسی رغبت ازدواج را با آنان ندارد. به عبارت دیگر، اگر از جوانی دارای بهره ای باشند ولو آن که از سن معمول ازدواج آنان گذشته باشد نمی توانند مشمول حکم آیه قرار گیرند. در هر حال، فروگذاری حجاب در مورد این دسته از زنان، مفسده ای به دنبال ندارد مشروط به آن که خود را آرایش نکرده باشند.

۳- رفتار جنسی والدین : در انتهای این بخش، ذکر نکته مهمی ضروری به نظر می رسد. بررسی های

علمی نشان می دهند که بیداری نابهنگام جنسی، زمینه ساز بروز پاره ای از هوس های نادرست، عادات نامناسب و انحراف آمیزی چون حالت خود ارضایی، قرارداد خود در معرض سوء استفاده های جنسی و توسعه مفاسد است(فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۶، ۲۲). در متون اسلامی نیز عدم مراعات اخلاق جنسی در محیط خانه از عوامل بروز انحراف جنسی در فرزندان شناخته شده است(حاجی ده آبادی، ۱۳۸۵، ۱۸۹). یکی از مواردی که باعث می شود بیداری نابهنگام جنسی به وجود آید خلوت کردن زن و شوهر با یکدیگر به گونه ای است که در معرض دید فرزندان باشد. در آیه ۵۹ سوره نور خداوند می فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده اید... کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس های(معمولی) خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشاء؛ این سه وقت خصوصی برای شماست...». بدیهی است حکم مزبور، مربوط به کودکانی است که به حد تمیز رسیده اند و

اجازه گرفتن دلالت بر همین امر می کند. از مفهوم آیه نیز این گونه برمی آید که فرزندان بالغ زمانی که می خواهند وارد اتاق خصوصی پدر و مادر شوند باید در همه حال اجازه بگیرند ولی برای کودکانی که به حد تمیز رسیده ولی بالغ نشده اند فقط باید در سه وقت مندرج در آیه اجازه بگیرند زیرا در این اوقات، غالباً زن و شوهر ممکن است در اتاق خصوصی خود مشغول استراحت بوده و احیاناً با هم خلوت کرده باشند. بدین ترتیب، ملاحظه می شود تربیت صحیح فرزندان به عنوان یک وظیفه شرعی و با توجه به حقی که فرزند بر عهده والدین دارد به صراحت برای پیشگیری از انحراف جنسی در آیه مزبور پیش بینی شده است.

گفتار دوم: بازدارندگی اجتماعی

زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعددی در یک جامعه ممکن است باعث گرایش افراد به برقراری روابط جنسی نامشروع و سایر انحرافات جنسی شود که در قرآن به صراحت از آنها نام برده شده است.

الف- قناعت ورزی

فقر از جمله عواملی به شمار می رود که می تواند در پیدایش یا افزایش جرم ایفای نقش نماید. تحقیقات متعددی نیز مؤید این نکته می باشد که فقر و بیکاری از جمله عوامل مؤثر بر گسترش فحشا هستند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۵، ۱۱۱). یکی از اثرات این عامل را می توان در افزایش سن ازدواج در جامعه مشاهده کرد. این در حالی است که گسترش شهرنشینی باعث افزایش توقعات در ایجاد یک زندگی بدون کاستی و محرومیت شده است (علاسوند، ۱۳۸۵، ۱۵۹). به همین دلیل، در کنار ریشه کن کردن فقر و ایجاد شرایط اشتغال که از وظایف هر دولتی است، کاستن از تجمل گرایی نیز عامل مؤثری در پیشگیری از روند رو به رشد انحرافات جنسی که ناشی از عدم تأمین هزینه های ازدواج و زندگی پس از آن می باشد امری ضروری و اجتناب ناپذیر به شمار می رود. هر چند در صورتی که فرهنگ و تربیت صحیحی بر جامعه

حاکم باشد، فقر و تنگدستی کمتر می تواند فرد را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد. برعکس، اگر جامعه، فرهنگ ثروت و رفاه و زندگی تجملاتی را ترویج دهد و تبلیغات گسترده رسانه ها، افراد را به سمت مصرف گرایی سوق دهد، عدم توانایی در تأمین نیازهای اقتصادی، باعث گرایش به سمت ارتکاب جرایم مختلف از جمله جرایم جنسی خواهد شد.

از دیدگاه قرآن فقر، ارزش محسوب نمی شود. به همین دلیل است که در آیه ۸ از سوره ضحی خداوند می فرماید: « و تو را فقیر و نیازمند یافت پس بی نیاز کرد» یا در آیه ۲۶۸ سوره بقره آمده است: « شیطان شما را وعده فقر می دهد...» اما در عین حال، فقر نمی تواند بهانه ای در جهت عدم تشکیل خانواده محسوب شود. زیرا در آیه ۳۲ سوره نور خداوند فرموده است: « مردان و زنان بی همسر خود ... را همسر دهید. اگر فقیر باشند خداوند از فضل خویش بی نیازشان می کند...». هر چند معنای آیه مزبور آن نیست که افراد در جهت کسب روزی تلاش ننمایند؛ زیرا خداوند در آیه ۳۹ سوره نجم فرموده است: « و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست». بنابراین وادادگی از نظر اسلام امر پسندیده ای تلقی نمی شود. اگر در آیه ۶ از سوره هود نیز آمده است: « هیچ جنبنده ای در زمین نیست جز آن که رزقش به عهده خداست» باید در پرتو تلاش و زحمت افراد، آن را تفسیر نمود.

صرف نظر از آن چه مطرح شد در قرآن، آیات متعددی وجود دارد که امر ازدواج در آنها مورد تشویق قرار گرفته است و با توجه به اطلاق عبارات مندرج در آن آیات می توان این گونه استنباط نمود که ازدواج منوط به داشتن ثروت و مکنت نیست. به عنوان مثال در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: « ... برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما عشق و محبت قرار داد...» و همچنین در آیه ۵۴ از سوره فرقان خداوند می فرماید: « اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد و خدای تو بر هر چیزی قادر است».

اما به افراد نیز در قرآن توصیه شده که در زندگی، قناعت را پیشه خود قرار دهند. در آیه ۸۸ سوره حجر آمده است: « به آن چه ما دسته هایی از کفار را بدان برخوردار ساخته ایم چشم مدوز...» و نیز در آیه ۲۰ سوره حدید می خوانیم: « ... زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و فخر فروشی به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و فرزندان است مانند بارانی که کشاورزان را به شگفت آورد و سپس آن کشت خشک شود...». بدین سان ملاحظه می شود خداوند متعال ضمن نکوهش فقر، آن را از موانع ازدواج محسوب ننموده و به انسان دستور تلاش و در عین حال، قناعت در زندگی می دهد.

ب- معاشرت پذیری

انسان بنا به فطرت خود، میل به برقراری رابطه و دوستی با دیگران دارد و همین امر باعث می شود که عقاید و اخلاق افراد، خواسته یا ناخواسته بر روی یکدیگر تأثیر گذارد. تأثیرگذاری افرادی که به سن بلوغ رسیده اند از دوستان و همسالان خود بسیار بیشتر است. به همین دلیل والدین باید تلاش نمایند معاشران خوبی برای فرزندان خود انتخاب کنند. بدیهی است که هر چه میزان ارتباط با افرادی که دارای انحرافات اخلاقی هستند بیشتر باشد، تأثیرپذیری در این مسیر منحرفانه بیشتر خواهد بود. همان گونه که برخی نیز معتقدند افراد به این علت کج رفتار و منحرف می شوند که تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیر انحرافی شان است (ویلیامز، ۱۳۹۱، ۹۷). روایات فراوانی نیز بر اهمیت دوست یابی و معاشرت با افراد پسندیده تأکید ورزیده اند. امام محمد باقر (ع) می فرمایند: « انس گرفتن با مردم از خداوند است و دشمنی از شیطان» (کلینی، ۱۳۷۹، ۵۰۰). همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: « هم نشین خوب از تنهایی بهتر است و تنهایی از هم نشین بد بهتر است» (طوسی، ۱۳۸۸، ۵۲۵). در روایتی نیز از امام حسن (ع) این گونه نقل شده است که: « با هیچ کس دوستی مکن مگر آن که بدانی به کجا رفت و آمد

دارد و از چه خانواده ای می باشد. هرگاه به این مسأله پی بردی با او دوستی کن که امری است پسندیده» (حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۰۴).

در قرآن کریم نیز در موارد متعددی، شیوه های دوست یابی به صراحت مطرح شده است. در آیه ۲۸ سوره فرقان خداوند می فرماید: « ای کاش فلان شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم » و در آیه ۶۷ از سوره زخرف آمده است: « دوستان در آن روز دشمن یکدیگر هستند مگر پرهیزکاران ». به عبارت دیگر، دوستی افراد باتقوا، بر پایه دوستی با خداوند متعال است. در همین راستا خداوند در نخستین آیه از سوره ممتحنه می فرماید: « ای ایمان آورندگان، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید ». دلیل چنین تأکیداتی آن است که تأثیرپذیری انسان در رفاقت و معاشرت زیاد بوده و دوستی ها و رفاقت های غیر منطقی، نتایج تلخ و مصائب سنگینی در پی خواهد داشت.

صرف نظر از تأکیدات قرآن بر دوستی با افراد صالح، نکته حائز اهمیت آن است که آیاتی نیز در ممنوعیت دوستی با جنس مخالف مطرح شده است که بی تردید تأثیرات مخرب بیشتری بر افراد بر جای می گذارد. در آیه ۲۵ سوره نساء آمده است: « ... به شرط آنکه زنان پاکدامنی بوده که نه اهل زنا باشند و نه آن که دوست پنهانی اختیار کنند... » در تفسیری از آیه مزبور آمده است که علت ممنوعیت به دوستی گرفتن نامحرم آن است که اگر کسی به منظور فحشا و زنا، دوستی می گیرد به او قناعت نمی کند زیرا نفس آدمی حریص است و اگر قرار باشد که خواست نفس را برآورده کند دوستان زیاد دیگری را برای فحشا اختیار خواهد کرد. (طباطبایی، ج ۴، پیشین، ص ۴۴۳). همچنین در آیه ۵ سوره مائده خداوند فرموده است: « ... در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آن که زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید ». در واقع آن چه که در آیات مزبور آمده بیانگر این نکته می باشد در صورتی که در جامعه ای نهاد خانواده مقید به

مسائل دینی و اعتقادی نباشد و یا در صورتی که امر ازدواج جوانان به تأخیر افتد و یا اگر اوقات فراغت مناسبی برای جوانان وجود نداشته باشد، احتمال برقراری روابط نامشروع افزایش می یابد .

ج - تقویت باورهای دینی

در قرآن کریم آیات بسیاری بر این نکته دلالت دارند که ریشه تباهی انسان و رذائل اخلاقی، غفلت است. از جمله در آیات نخستین سوره انبیا آمده است : «روز حساب مردم بسیار نزدیک شده و آنان در حال غفلت و روی گردانی هستند و هیچ موعظه تازه ای از طرف پروردگار برایشان نمی آید مگر آن که با شوخی به آن گوش دهند». به همین دلیل راه کارهای متعددی برای پیشگیری از چنین وضعیتی وجود دارد که یکی از آنها عبادت است. عبادت از جمله نماز، روزه و قرائت قرآن از مهم ترین در حفظ و تقویت ایمان و مهم ترین عامل در بازداشتن از گناه است. چنان که در آیه ۴۵ از سوره عنکبوت خداوند می فرماید: «و نماز را به پا دار که نماز انسان را از گناه باز می دارد». در آیه ۴۵ از سوره بقره نیز در تقویت ایمان آمده است: «از صبر و نماز یاری جوید و با مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرید». بنابراین، نماز در صورتی که با توجه خوانده شود می تواند بهترین وسیله برای خروج از گناه باشد، چنانکه عبادت به ویژه در جوانی خود بهترین وسیله برای تقویت ایمان و کسب درجات است.

یکی دیگر از راه کارهای تقویت باور دینی خشکاندن ریشه های گناه است. شناسایی ریشه گناه و از بین بردن آن، خطر انحراف را شدیداً کاهش داده و زمینه ارتقاء بینش و اعتقادات را فراهم می کند. بذر معارف و باورهای دینی در زمینی به خوبی رشد و نمو می یابد که خالی از هرگونه ناپاکی و میکروب باشد. شرط رسیدن به ایمان کامل و افزایش بینش و باور دینی در وجود انسان، پاکی روح و نفس آدمی از گناه و معصیت است. هر چه انسان از خطا و لغزش دورتر باشد، بذر معارف در وجودش سریعتر به ریشه خواهد نشست و ساقه اعتقاداتش تنومندتر خواهد شد و در نتیجه میوه ای شیرین تر و آبدارتری از این درخت

خواهد چید. برای پاکسازی از گناه، ریشه ای ترین کار مبارزه با خواستگاه و زمینه های نفسانی آن (مانند حب دنیا، حب جاه، تکبر، حسادت، غرور و...) است. برای مثال آدم حسود، همیشه در معرض غیبت، تهمت، آسیب رساندن به محسود است. آدم بخیل توان انجام واجبات مالی و کمک رسانی به دیگران را ندارد. این شخص اگر بخواهد گناه نکند، اساسی ترین راه این است که با خیر خواهی که ضد حسد است و تحصیل سخاوت که ضد بخل است، ریشه گناه را از دل خود بیرون نماید و خویش را از خطر شرک و خود خواهی برهاند.

یکی دیگر از کارهایی که در ارتقاء باورها بسیار مؤثر است و همچنین انسان را از گناه و معاصی دور می کند، تفکر در مرگ می باشد. اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد نقشی سازنده و بالا برنده دارد. یاد مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می دارد. آنچه که بسیار مهم است این است که اولاً این فکر موقتی نباشد بلکه در ایام خاصی استمرار داشته باشد ثانياً در مکان خلوتی باشد مخصوصاً اگر آن مکان خلوت خود محیط قبرستان باشد به هر گونه که این فکر در مرگ، با جان عجین شود و باور دل گردد بسیار مطلوب است.

نتیجه گیری

از دیدگاه علوم جامعه شناسی و جرم شناسی، رفتارهایی که خارج از مسیر طبیعی ارتکاب یافته و با الگوی رفتاری اکثریت افراد جامعه منطبق نباشد انحراف نامیده شده و در صورتی که این گونه انحرافات در قانون پیش بینی شده باشد عنوان مجرمانه به خود میگیرد. یکی از انواع انحرافات و جرایم در حوزه امور جنسی صورت پذیرفته و با واکنش قانون گذاران کشورهای مختلف روبرو شده است. اما با توجه به این که واکنش کیفری به تنهایی نمی تواند مانع از بروز چنین رفتارهایی شود اقداماتی در قلمرو فردی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است. واقعیت آن است که ناآگاهی و عدم شناخت کافی از غریزه جنسی در میان

نوجوانان و نیز عدم تربیت و آموزش جنسی صحیح توسط خانواده و در پی آن بی‌عفتی از جمله عوامل انحراف در آینده فرد محسوب می‌شود. در کنار این موضوع باید محیط اجتماعی نامناسب، فقر و بیکاری را نیز افزود. بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد که تمام عواملی که از آن نام برده شد به صراحت در آیات آن ذکر گردیده است. به عبارت دیگر، قبل از ظهور علمی مانند جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی و انجام مطالعاتی در حوزه انحرافات اخلاقی، به این موضوعات در قرآن کریم پرداخته شده و اجرای موثر آن می‌تواند به نحو قابل ملاحظه‌ای مانع از گسترش انحرافات اخلاقی و جرایم جنسی شود. با توجه به آن چه که مطرح شد بهتر است از معلمان و اساتید باتجربه و آگاه به منظور تدریس علوم دینی و قرآنی، تقویت نشریات ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان با رویکرد قرآنی و ترویج و تبلیغ ساده زیستی در رسانه‌های جمعی استفاده نمود.

منابع

- ۱- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۵، «بررسی تحلیلی عوامل تربیتی و فرهنگی روسپیگری با چشم اندازی به متون دینی»، نظام اسلامی و مساله روسپیگری، چاپ اول، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۲- حرانی، ابو محمد حسن، ۱۴۰۴ ه.ق، تحف العقول، چاپ دوم، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳- دانش، تاج‌زمان، ۱۳۸۱، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ نهم، تهران، نشر کیهان.
- ۴- راغب اصفهانی، ابی‌القاسم حسین بن محمد، ۱۳۷۵، المفردات فی غریب القرآن، چاپ چهارم، قم، ذوی‌القربی.
- ۵- زیبایی‌نژاد، محمد رضا، ۱۳۸۵ «نگاهی دیگر به روسپیگری: علل، پی‌آمدها و رویکردها»، نظام اسلامی و مساله روسپیگری، چاپ اول، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۷، تفسیرالمیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلدهای ۱۵ و ۱۶، چاپ سوم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- ۷- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۸، امالی، ترجمه صادق حسن‌زاده، جلد اول، چاپ اول، انتشارات اندیشه‌های هادی.

- ۸- علاسوند ، فربيا ، ۱۳۸۵ ، « روسپيگري : واقعيته‌ها و بايدها » ، نظام اسلامي و مساله روسپيگري ، چاپ اول ، نشر دفتر مطالعات و تحقيقات زنان.
- ۹- فرمهيني فراهاني ، محسن ، ۱۳۸۶ ، تربيت جنسي ، چاپ اول ، نشر البرز.
- ۱۰- كليني ، محمد بن يعقوب ، ۱۳۷۹ ، اصول كافي ، ترجمه محمد باقر كمره اي ، جلد پنجم ، چاپ اول ، تهران ، دفتر مطالعات تاريخ و معارف.
- ۱۱- كي نيا ، مهدي ، ۱۳۷۶ ، روان شناسي جنائي ، جلد دوم ، چاپ اول ، نشر رشد.
- ۱۲- مطهري ، مرتضي ، ۱۳۸۷ ، نظام حقوق زن در اسلام ، چاپ چهل و هشتم ، انتشارات صدرا.
- ۱۳- مكارم شيرازي ، ناصر ، ۱۳۷۷ ، اخلاق در قرآن ، جلد دوم ، چاپ اول ، قم ، مدرسه الامام علي بن ابي طالب.
- ۱۴- مكارم شيرازي ، ناصر ، ۱۳۷۴ ، تفسير نمونه ، جلد سوم ، چاپ سي و دوم ، تهران ، دارالكتب الاسلاميه.
- ۱۵- مير محمد صادقي ، حسين ، ۱۳۸۲ ، جرايم عليه اموال و مالكييت ، چاپ دهم ، تهران ، نشر ميزان.
- ۱۶- ويليامز ، فرانك پي و مك شين ، ماري لين دي ، نظريه هاي جرم شناسي ، ترجمه حميد رضا ملك محمدی ، چاپ چهارم ، تهران ، نشر ميزان.